

به‌ویژه گزارش‌ها و ترجمه‌های مفصلی که در حوزه سینمای جهان و جوایز و جشنواره‌های خارجی داشت و اغلب هم خود اشتری می‌نوشت. در روزگاری که مجادلات سینمایی میان دو طیف موافقان و مخالفان جشنواره‌های خارجی حتی گرم‌تر از امروز بود و «سوره» و «کیهان» و «صبح» به فیلمسازان مستقل می‌تاختند، این صفحات سینمایی اخبار بود که مرابنخل طلای کن و خرس برلین و شیر ونیز آشنا می‌کرد و از فیلم‌های ایرانی و خارجی حاضر در این جشنواره‌ها می‌نوشت. بیژن اشتری آن زمان، روزنامه‌نگار و مترجمی سینمایی بود که به‌شکلی حرفه‌ای کار خود را پیش می‌برد. گویی، همچنان که جامعه پس از جنگ پوست می‌انداخت و در مسیر توسعه در داخل و آشتی با خارج گام برمی‌داشت، روزنامه «اخبار» نیز آرام و بی‌سروصدا توسعه پیدا می‌کرد. کمالاتکه بعدها، «اخبار اقتصاد» را هم راه انداخت، اما دوم‌خرداد ۱۳۷۶ که رسید، به‌تدریج «اخبار» به حاشیه رفت. صراحت و قدرت و تیراز و تأثیرگذاری روزنامه‌های نوپای پس از دوم‌خرداد چنان بود که کمتر مخاطب روزنامه‌های ماقبل دوم‌خرداد را وفادار نگاه می‌داشت و هوس یارانی زیباتر و جذاب‌تر و خوش‌بین‌تر را به دلش نمی‌انداخت. «جامعه» که در زمستان ۱۳۷۶ درآمد، من هم دل را «اخبار» کندم و خواننده روزنامه شمس‌الوعظین و یارانش شدم. بعد هم که «صبح امروز» و «خرداد» منتشر شدند و ماجراهای قتل‌های زنجیره‌ای و کوی دانشگاه و پس از آن، مواجعه اصلاح‌طلبان و هاشمی‌قفسجانی در انتخابات مجلس ششم پیش آمد، حتی روزنامه‌های شمس‌الواعظین هم تشنگی مخاطب مست جوان و پرهیجان را کفاف نمی‌داد؛ تکلیف امثال «اخبار» که روشن نبود، خودش کم‌کم فتیله را پایین کشید و کنار رفت. حتی نمی‌دانم کی و چگونه تحلیل شد. دیگر پیگیرش نبودم. فقط «اخبار اقتصاد» بود که انتشار آن به عیسی سحرخیز واگذار شد و همراه با دیگر روزنامه‌ها، در آن شب از دیدهبین ۱۳۷۹ توقیف شد. ماجرای «اخبار» که به اینجا رسید، دیگر کمتر نامی از بیژن اشتری بود؛ حداقل برای من که پیگیر نشریات تخصصی سینمایی نبودم. حتی وقتی خبرنگار «حیات‌نو» شدم و سردبیرمان مسعود سفیری (سردبیر پیشین «اخبار») بود، اشتری در آنجا نبود. صفحه فرهنگ‌وهنر را هم حسین سنابلور درمی‌آورد؛ اما خبری از بیژن روزنامه‌نگار نبود. انکار هم‌راہ با «اخبار» و صفحات سینمایی‌اش، او هم خائنه‌شین شده بود. دوران طلایی روزنامه‌های دوم‌خرداد اگر در بهار ۱۳۷۹ به پایان رسید، برای روزنامه‌نگاران روزنامه‌های قبل از دوم‌خرداد که وارد روزنامه‌های جدید نشده بودند، زودتر از اینها تمام شد. اشتری دهه ۱۳۷۰، نمونه‌ای از این روزنامه‌نگاران حرفه‌ای بود؛ پرکار، بی‌هیاهو، دور از سیاست و نه‌پایتا. حاشیه‌نشین. داستان «بیژن اول» اینجا بود که به سر رسید.

▼ داستان دوم: بیژن مترجم

بیژن اشتری اول را شاید خیلی‌ها نمی‌شناختند و یا اگر هم می‌شناختند، دیگر او را به‌خاطر کارنامه و دوران روزنامه‌نگاری‌اش به خاطر نمی‌آورند. در واقع، این «بیژن دوم» بود که بر زندگی و کارنامه او سایه انداخت و بسیاری را متعجب و هوادار او ساخت. تولد بیژن دوم هم اما، متأثر از تحولات سیاسی -اجتماعی بود. اگر برآمدن دوم‌خرداد و رونق بازار پرهیجان و ستیزه‌آلود سیاست، روزنامه‌ای چون اخبار و روزنامه‌نگارانی چون اشتری را به حاشیه راند؛ این، افول دوم‌خرداد و کساد۱ بازار سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه بود که راه را بر بحث‌ها و تولیدات فکری و فرهنگی ریشه‌دارتر گشود و زاویه نگاه منتقدان را فراتر از حاکمان برد و متوجه مبانی ایدئولوژیک و بازخوانی تجارب نیروهای انقلابی گراو چپ کرد. این رویکرد، به‌نوعی تداوم الگوی فکری -تحلیلی قبل از دوم‌خرداد در مجلات و کتاب‌های حوزه اندیشه و سیاست بود که در سال‌های دوم‌خرداد تاحدی به حاشیه رفته بود. بسیاری از سردبیران و نویسندگان مجلات تتوریک قبل از دوم‌خرداد (و بیش از همه حلقه «کیان») در سال‌های اصلاحات به کنشگران سیاسی و ناشران روزنامه‌های پرتیراژ تبدیل شده بودند و به‌نوعی از آن الگوی تتوریک قبل از ۱۳۷۶ دل کنده بودند. حتی در حوزه کتاب هم، کتاب‌های پرفروش اغلب مربوط به مجموعه مقالات یا مصاحبه‌های نویسندگان و سیاستمداران شاخص پس از دوم‌خرداد بود و کتاب‌های جدی حوزه فلسفه و اندیشه سیاسی میدان را تا حد زیادی به آنان سپردند. می‌توان گفت از اساس دهه ۱۳۸۰ و به‌ویژه پس از ۱۳۸۸ بود که بار دیگر، مجلات تتوریک در قیاس با روزنامه‌ها محوریّت و اهمیت یافتند و هم‌زمان با آن، نسل جدیدی از نویسندگان و مترجمان به انتشار کتاب‌هایی با رویکرد انتقادی نسبت به مبانی فکتمان مسلط پرداختند. گویی، چرخ روزگار چنان گشته بود که از کنش و واکنشی دیالکتیکی میان رویکرد تتوریک مجلات و کتاب‌های قبل از دوم‌خرداد (تئ) و رویکرد سیاست‌محور روزنامه‌ها و حتی کتاب‌های پس از دوم‌خرداد (انت‌تئ)، مجلات و کتاب‌های تتوریک و درعین‌حال با تم پررنگی از ژورنالیسم، سست‌تر کنند. این کنش و واکنش اگر در حوزه مطبوعات به انتشار مجلاتی چون «مهرنامه» و «اندیشه پویا» انجامید و نسلی از روزنامه‌نگاران برآمده از دوم‌خرداد را «مجله‌نگار» کرد؛ در حوزه کتاب نیز، بستر ظهور و بروز مترجمانی چون بیژن اشتری را فراهم آورد که با کتاب‌هایی پر فروش و خواندنی که بیشتر به رمان می‌مانست، کارنامه دیکتاتور‌ها و چپگرایان و انقلابی‌گرایان را پیش روی مخاطب قرار دهد؛ مخاطبی که حالا برخلاف سال‌های پرهیجان و روز‌های پرامید پس از دوم‌خرداد، از سیاست دل‌زده و ناامید شده بود و آخرین تیرش در ۱۳۶۸ نیز، کمانه کرد و دستاوردهای تدریجی پس از ۱۳۷۶ و حتی پس از ۱۳۶۸ را به خطر انداخت. چنین مخاطبی، حالا نگاهی انتقادی‌تر به کلیت سیاست داشت. نه‌فقط حکومت که مبانی آن را به نقد می‌کشید. نه‌فقط تجربه ایران که تجارب جهانی را می‌خواست ببیند و بخواند و دریابد. چنین بود که اگر مجلات پس از ۱۳۸۸ تا ابتدای دهه ۱۳۹۰ به بستر۱ برای نقد علی شریعتی، جلال آل احمد، محمد حنیف‌نژاد، بیژن جزنی و حتی محمد مصدق و در مقابل، بازخوانی مثبت کارنامه محمدعلی فروغی، احمد قوام و مهدی بازرگان تبدیل شدند؛ کتاب‌هایی از جنس مجموعه ترجمه‌های جلد قرمز بیژن اشتری هم پر مخاطب شد؛ کتاب‌هایی که در آن تجارب

انقلابیون و دیکتاتور‌ها و چپگرایان قرن بیستم از لنبن و استالین و مائو تا صدام و قذافی و کاسترو را باز می‌خواند و نشان می‌داد چگونه تفکر چپ و رویکردهای تمرکزگرای سیاسی و اقتصادی، از انسان‌هایی عادی و اغلب محروم و حتی عدالت‌طلب، جانیتکارانی خون‌ریز و دشمنان ملت می‌سازد. چنین بود که «بیژن دوم» رخ نمود. برخلاف «بیژن اول» که صرفاً روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در حوزه‌ای تخصصی چون سینما بود، «بیژن دوم» گرچه مترجمی حرفه‌ای و جست‌وجوگر برای یافتن منابعی جدی و تحقیقی بود؛ اما فراتر از آن، آشکارا پروژه‌ای سیاسی- فکری را در نقد چپ پیش می‌برد و در این مسیر، عملاً کار روشنفکری می‌کرد. در واقع، فضای پس از ۱۳۸۸ همانطور که احزاب و سیاستمداران اصلاح‌طلب را به بازخوانی الگوی سیاست‌ورزی خود واداشت (که انتخاب حسن روحانی و حتی مسعود پزشکیان را می‌توان محصول آن بازنگری دانست)، روزنامه‌نگاران و نویسندگان را نیز به بازخوانی و نقد مبانی سیاست حاکم و تجارب داخلی و الگوهای جهانی آن واداشت که در این مسیر، «بیژن دوم» جایگاه نقشی ویژه و غیرقابل انکار ایفا کرد. کتاب‌های سرخ او، بقایای اندیشه‌های سرخ را می‌سوزاند. گرچه، نقد چپ در روزگاری که تجربه آن در اغلب کشورها شکست خورده بود و نزدیک به دو‌دهه از سقوط بلوک شرق می‌گذشت، چندان نیازی به شجاعت اخلاقی نداشت و کار اشتری و دیگر منتقدان چپ در ابتدای دهه ۱۳۹۰ از این منظر، با کسانی چون مصطفی رحیمی که در روزهای اوج تفکرات انقلابی و چپ، به نقد آن می‌پرداخت و درباره پیامدهای آن هشدار می‌داد، قابل قیاس نیست.

▼ داستان سوم: بیژن ستیزه‌گر

فضای پس از ۱۳۸۸ تا ابتدای دهه ۱۳۹۰ حتی با روی کار آمدن حسن روحانی هم چندان تغییر نکرد. نه روزنامه‌ها دیگر به رونق دهه ۱۳۷۰ و حتی ۱۳۸۰ بازگشتند و نه مباحث سیاسی روز، برخلاف سال‌های پس از دوم‌خرداد (جز ایام انتخابات) چنان محوریّت و جدیت داشت. در این میان، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها هم پررنگ‌تر از قبل ظهور کردند و بسیاری از کارکردهای مطبوعات را هم برعهده گرفتند. امکانات شبکه‌های اجتماعی برای کنشگری و گفت‌وگوی بی‌واسطه افراد با یکدیگر و مخاطبان، بسیاری از روشنفکران، نویسندگان و سیاستمداران را جذب کرد. در این میان، بیژن اشتری هم که با کتاب‌های پرفروش خود به مترجمی سلبریتی و پرمخاطب تبدیل شده بود، به‌تدریج در فضای مجازی فعال‌تر شد. هم‌زمان، بروز مجموعه اتفاقات سیاسی -اجتماعی که به افول مجدد اصلاح‌طلبان و روی کار آمدن خالص‌سازان و یکدست شدن دوباره حاکمیت در سال ۱۴۰۰ انجامید؛ گرایش‌های رادیکال و تندسیستم را به‌ویژه در فضای مجازی تقویت کرد. اعتراضات ۱۴۰۱ نیز بزینتی بود که بر این آتش ریخت و اندک پیوندهای بخش گسترده جامعه را با وضع موجود، ازهم گسیخت. در این میان، فضایی دوقطبی در حوزه‌های رسانه، فرهنگ، هنر و حتی ورزش شکل گرفت که در آن، کنشگران و فعالان این حوزه‌ها باید تکلیف خود را بر سر دوراهی «تندسیستم» ضدسیستم» روشن می‌کردند. جامعه در قطبی‌ترین شرایط خود قرار گرفت. بی‌طرفی ممکن نبود. میانه‌روی و حتی ابراز مخالفت با انقلابی‌گری و خشونت‌ورزی، با انگ «وسط‌بازی» طرد می‌شد. اصلاح‌طلبی نه‌فقط از ساخت قدرت که تا حد زیادی، از ساحت جامعه هم داشت حذف می‌شد. حتی بسیاری از سیاستمداران، نویسندگان و گویندگان طرفدار اصلاحات در دهه‌های قبل نیز به تشکیک جدی و مبنایی در راه طی‌شده و مبانی اصلاح‌طلبی دست زدند و به‌رد و نفی رفتارهای سیاسی انتخابات‌محور پرداختند. در چنین فضایی بود که «بیژن سوم» متولد شد. برخلاف بیژن اول که ظهور و بروز سیاسی نداشت و حتی بیژن دوم که پروژه سیاسی خود را در قالبی غیرسستیزه‌جویانه و تحقیقی پیش می‌برد، «بیژن سوم» شمشکین، عصبانی و سستیزه‌جو بود. گویی، روند تحولات و تعارضات سیاسی -اجتماعی داشت او را شبیه سوزه‌های کتاب‌هایش می‌کرد. اگر آنان چپگرایانی بودند که انقلابی شدند و در ادامه به ستیز با مخالفان خود برخاستند؛ اشتری (و اندیشه‌ورزان دیگری چون مرتضی مریدها، حاتم قادری و حتی سیدجواد طباطبایی) که به مبانی فکری -سیاسی لیبرال انکا داشتند، خواسته یا ناخواسته در همان راه پای گذاشتند. انکار فضائی دوقطبی و شعارهای انقلابی ۱۴۰۱، از سخنگویان و مترجمان و مدافعان لیبرالیسم، چهره‌ای دیگر رو کرده بود. لیبرال‌هایی که لیبرال نبودند. صرفاً «تندسیستم» بودند و در جهت نفی و رد سیستم حاکم، هر گفتار و حتی رفتاری را توجیه می‌کردند. گویی، هر آنچه گفته و نوشته بودند یا تخر به‌های که ترجمه کرده بودند، نه در رد و نفی انقلابی‌گری و آزاد کردن هیولا از درون شیشه خلق، بلکه صرف‌رادر دهنی چپگرایی بوده‌است. طیفی از این جریان، پا را فراتر گذاشتند و با روایت رادیکال از اندیشه ایران‌شنه‌ری و خودداری از دگرپذیری، عملاً در مسیر نوعی تمرکزگرایی پای نهادهاد که از مسیری راستگرایانه به همان مقصدی می‌رسد که در دهه‌های قبل، چپگرایان رفته‌اند. راست افراطی که در این سال‌ها، سایه سنگین خود را بر اسرائیل و آمریکا و حتی بخش‌هایی از اروپا افکنده است، در قالب لیبرالیسم ستیزه‌جو و تا حدی ناسیونالیسم، در ایران هم خودنمایی می‌کند. جالب آنکه، این ستیزه‌جویی و دگر ناپذیری، بیش از آنکه در میان سیاستمدارانی که منشی لیبرال یافته‌اند، دیده شود؛ سکه پررونق روشنفکران و بخشی از اهالی فرهنگ و هنر است. «بیژن سوم» یکی از کنشگران شاخص این جریان در سال‌های اخیر بود که مواضع او در فضای مجازی، بیشتر رنگ‌وبوی ستیز داشت و برخلاف بیژن روزنامه‌نگار و مترجم، نه‌چندان حرفه‌ای بود و نه حتی اندیشمندانه. نوعی هویت‌گرایی ضدسیستم بود که راهی در میانه نمی‌دید. حال آنکه، حتی راه تعارض با سیستم‌های ضدلیبرال، نمی‌تواند از مسیری ضدلیبرال بگذرد. این، نکته‌ای بود که «بیژن سوم» به آن، چندان توجه نداشت و یا داشت؛ اما حفظ جایگاه و اعتبار مجازی را بر روشنفکری حقیقی ارجح می‌داشت. و این است دشواری سیاست‌ورزی و حتی اندیشیدن در روزگار سلطه فضای مجازی. کش اشتری، همان بیژن اول و دوم می‌ماند...

تیتریک

۲

بررسی گزارش مدیرکل آژانس به شورای حکام

اتهام‌زنی گروسی



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز دوشنبه در وین یک نشست خبری برگزار کرد و گزارش خود درباره ایران را نیز به شورای حکام ارائه داد. گزارشی که حاوی اتهاماتی نسبت به تهران بود. شورای حکام در نشست ماه نوامبر خود، رافائل گروسی را موظف کرده بود که گزارشی جامع از برنامه هسته‌ای ایران و مسائل گذشته و حال این پروژه تهیه کند. گزارشی که بخش‌هایی از آن پیش از ارائه به شورای حکام در اختیار رسانه‌ها قرار گرفت و با واکنش تند جمهوری اسلامی نیز روبه‌رو شد. ارزیابی‌ها حاکی از آن است که به دنبال این گزارش و اقدامات سه کشور اروپایی و ایالات‌متحده، قطعنامه ضدایرانی پیشنهادی کشورهای غربی در شورای حکام به تصویب خواهد رسید. اقدامی که در راستای فراهم کردن شرایط ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و فعالساز۱ مکانیسم ماشه از سوی کشورهای اروپایی تفسیر می‌شود.

▼ کشف ذرات اورانیوم و عدم همکاری

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در نشست خبری، همچنین ارائه گزارش به شورای حکام، چند اتهام متوجه ایران کرد. او گفت که ایران پاسخ مناسبی به ابهامات آژانس نداده و این نهاد، ذرات اورانیوم در سه مکان واقع در تورقورآباد، ورامین و میروان (آباده) کشف کرده است. گروسی در بیانیه خود خطاب به شورای حکام اظهار داشت: «همانطوری که شما می‌دانید، آژانس ذرات اورانیوم ساخت بشر را در سه مکان اعلام نشده در ایران -یعنی ورامین، میروان و تورقورآباد کشف کرد؛ مکان‌هایی که ما دسترسی کاملی در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ به آن‌ها داشتیم. از زمان به‌بعد ما به‌دنبال توضیحات و شفاف‌سازی از سوی ایران در خصوص وجود این ذرات اورانیوم بودیم که این مسئله ازجمله از طریق تعدادی نشست‌ها و رایزنی‌های انجام‌شده در سطوح بالا انجام شد که من نیز شخصاً در آن‌ها حضور داشتم. متأسفانه ایران با‌ها و بارها یا به سؤالات آژانس پاسخ نداده یا پاسخ‌های فنی معتبری در این زمینه ارائه نکرده



گزارشگر هم‌میهن

دولت مخالف است

بررسی تلاش شهرداری برای بستن خانه اندیشمندان



پریسا هاشمی

گزارشگر شهری هم‌میهن

شهرداری با در دست داشتن حکم ماده ۴۷۷ این بار عزم خود را بیش از پیش جزم کرده و اقدام به تخلیه خانه اندیشمندان علوم انسانی کرد. پافشاری شهرداری برای اجرای این حکم در حالی بود که برخی از اعضای شورای شهر تهران، مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران و بسیاری از فعالان حوزه علوم انسانی، رسانه‌ها و فعالان حوزه شهری با اجرای آن مخالف بودند.

اما نکته حائز اهمیت نامه‌ای بود که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور خطاب به علیرضا زاکانی، شهردار تهران نوشته و در خواست کرده بود که این حکم فعلاً اجرا نشود. اما آنطور که مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران می‌گوید لجبازی‌های شهرداری تهران قرار نیست تمامی داشته‌باشد و این هم از آن دسته لجبازی‌هایی است که شهرداری بر آن اصرار دارد؛ حتی با وجود تجربه‌هایی مانند ساخت مسجد در پارک قیصریه که شهرداری در آخر مجبور شد تسلیم شهروندان تهرانی شده از موضع خود کوتاه آید. شنبه و یکشنبه ساختمان خانه اندیشمندان علوم انسانی بار دیگر بریود از تنش؛ تنشی که شهرداری برای اجرای حکم تخلیه خانه اندیشمندان به وجود آورد. شهرداری با وجود تذکر برخی از اعضای شورای شهر تهران باز هم برای اجرای این حکم رفته بود. این در حالی است که مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران در صحن علنی پارلمان شهری پایتخت (که مقدار محشم‌آرا، رئیس مرکز حقوقی شهرداری هم در این جلسه حضور داشت) تأکید کرد شهرداری دو، سه‌روز اقامتی انجام ندهد تا جلسه‌ای در یک جلسه متشکل مدیران شهرداری، برخی از اعضای شورای شهر تهران و مدیران خانه اندیشمندان تصمیمی به دور از جنجال گرفته شود اما سیدمرتضی روحانی، شهردار منطقه ۶ برای اجرای حکم به خانه اندیشمندان رفته و با نمایندگان کلاترتی و اجرای احکام اقدام به اجرای حکم کرد. هنوز جلسه شورای شهر تهران تمام نشده بود که محتشم‌آرا هم خود را به خانه اندیشمندان رساند و به روحانی ملحق شد. مهدی چمران طی تماسی تلفنی بار دیگر به آنها گوشزد کرد که از این اقدام دست بردارند تا جلسه برگزار شود. در جریان این تماس مهدی اقراریان نیز تأکید کرد که ۱۰ نفر از اعضای شورای شهر تهران به چمران نامه نوشته‌اند تا برای اجرای حکم صبر کنند. این دومیدر شهرداری نیز قول دادند که خانه اندیشمندان را ترک کنند اما تا ساعت‌ها آنجا ماندند و فهرست‌برداری (بخشی از اجرای احکام) را به سرانجام رساندند.



است. ایران حتی به دنبال پاکسازی این مکان‌ها بوده که همین امر مانع فعالیت‌های راستی‌آزمایی آژانس شده است. ارزیابی کامل آژانس که براساس ارزیابی فنی ما از تمام اطلاعات مرتبط با پادمان‌های موجود صورت گرفته، ما را به این نتیجه رسانده است که این سه مکان و دیگر مکان‌های احتمالی مرتبط، بخشی از برنامه هسته‌ای ساختاری است که تا اوایل سال ۲۰۰۰ اجرا می‌شد و در برخی از فعالیت‌ها از برخی مواد هسته‌ای اعلام‌نشده استفاده شده بود. بر این اساس، آژانس نتیجه می‌گیرد که ایران مواد هسته‌ای و فعالیت‌های مرتبط با هسته‌ای را در این سه مکان اعلام‌نشده در ایران اعلام نکرده است. در نتیجه این مسئله، آژانس در جایگاهی نیست که مشخص کند آیا مواد هسته‌ای مرتبط هنوز خارج از پادمان هستند یا خیر. «مدیرکل آژانس جمهوری اسلامی ایران را به «عدم پایبندی» به NPT متهم نکرد اما چند موضوع قدیمی را روی میز گذاشت که می‌تواند به‌عنوان ابزار فشار مورد استفاده قرار بگیرد. مقامات جمهوری اسلامی بر این موضوع تأکید دارند که موضوع مربوط به ورامین و تورقورآباد حاصل عملیات خرابکاری اسرائیل است. موضوع مربوط به سایت میروان نیز پیش از این بسته شده بود. به‌طور مشخص گفته می‌شود که این اتهام‌ریشه‌در بعضی اسنادی دارد که سال ۲۰۱۸ توسط موساد از ایران سرقت شد و مربوط به دوده‌ه قبل است.

▼ ذخایر ۶۰ درصد

او در بخش دیگری از گزارش خود، ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد ایران را ۴۰۰ کیلو اعلام کرد. ذخایری که نسبت به اسفند و فروردین ماه گذشته، افزایش قابل‌توجهی داشته است. او در این باره گفت: «غنی‌سازی اورانیوم فی نفسه یک فعالیت ممنوع‌شده نیست؛ این نکته‌ای است که همواره همتایان ایرانی من یادآور می‌شوند و این موضوع حقیقت دارد. اما وقتی شما اورانیوم را به‌میزان بالا و در سطحی بسیار نزدیک به آستانه مورد نیاز برای یک وسیله انفجاری هسته‌ای انباشته می‌کنید، نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت. به‌همین دلیل ما آن را با دقت و تمرکز ویژه زیر نظر داریم.» او همچنین یادآور شد: «این مواد به‌خودی‌خود معادل سلاح هسته‌ای نیستند. برای آنکه یک وسیله انفجاری واقعی ساخته شود، به سامانه‌ای بسیار پیچیده شامل چاشنی‌ها و فناوری‌های پیشرفته دیگر، نیاز است.»

▼ گزارش زیر سایه اسرائیل

مقامات جمهوری اسلامی معتقدند که اطلاعات ارائه‌شده از سوی اسرائیل



▼ اجرای رویدادهای فاخر به دور از حاشیه

در نامه‌ای که اقراریان از آن خبر داده، علاوه بر اینکه خواسته شده زاکانی مانع از اجرای حکم شود، اعضای شورای شهر تهران درخواست کردند که نسبت به انعقاد قراردادی جدید به منظور ادامه فعالیت خانه اندیشمندان در مکان کنونی براساس رویکرد تقویت و توسعه فعالیت‌های خانه، اقدامات لازم صورت گیرد. در این نامه قید شد: «خانه اندیشمندان علوم انسانی نه به عنوان یک مکان بلکه به مثابه یک قرارگاه اندیشه‌ورزی در چارچوب موسع گفت‌مان انقلاب اسلامی در قلب تهران و یکی از دستاوردهای قابل افتخار جمهوری اسلامی در عرصه‌های علمی و هنری است که به دور از حاشیه‌سازی متداول رویدادهای فاخر فرهنگی را در کشور به اجرا درآورده و به الگویی برای شکل‌گیری نهادهای خودجوش مردمی در چارچوب ارزش‌های دینی، ملی و انقلابی بدون فروغ‌نیتین به افراد و تقریض مبدل شده است.»

مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران بعدازظهر یکشنبه خود را به خانه اندیشمندان رساند تا حین بازدید در جریان آخرین اخبار قرار گیرد. از سوی دیگر دولت با وجود دهن کجی زاکانی به نامه رئیس‌جمهور باز هم میزبان شهردار تهران در هیئت دولت بود و آنطور که فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در صفحه ایکس خود نوشت: «مسئله پیش‌آمده برای خانه اندیشمندان علوم انسانی در جلسه امروز هیئت دولت مطرح و پیگیری شد. به دستور رئیس‌جمهور، اقدامات لازم برای رفع موانع و حمایت از این نهاد علمی و اندیشه‌ورز در دستور کار قرار گرفت. دولت خود را متعهد به پشتیبانی از جریان آزاد فکر، اندیشه و تبادل نظر می‌داند.»

▼ شهرداری نگرش‌های مختلف را رقیب خود می‌داند

علی اصغر قائمی، عضو شورای شهر تهران نیز در پاسخ به سوال هم‌میهن مبنی بر اینکه چرا شهرداری در این دوره با سمن‌های مردم‌نهاد بر‌خورد‌های سلبی را انتخاب کرده است؟ تأکید کرد: «به دلیل آنکه رفتار شهرداری تهران (به ویژه در این دوره) با نگرش‌های مختلف رفتار پدران‌ه‌ای نیست و خود را در حد یک حزب سیاسی کوچک کرده است. بنابراین شهرداری، خود را رقیب این نگرش‌ها و آنها را رقیب خود می‌داند.» او افزود: «در حالی که اگر رفتار شهرداری با مجموعه‌هایی مانند خانه اندیشمندان علوم انسانی و مصادیق دیگر پدران‌ه بود حتماً آنها را زیر چتر خود می‌گرفت و به آنها کمک می‌کرد. اگر انتقادی به عملکرد آنها وجود داشت اصلاح می‌شد. در حقیقت با یک تعامل دوجانبه مسیر روبه بهبود اتخاذ می‌شد. اما متأسفانه رفتار شهرداری اینگونه نیست.»



گزارشگر هم‌میهن